

مقدمه ۳:

مشکل در جمع بین امر و نهی از ۷ ناحیه قابل فرض است

الف) حُب و بغض نسبت عمل

ب) مصلحت و مفسده موجود در عمل

ج) اراده و کراهت نسبت به عمل

د) انشاء امر و انشاء نهی نسبت به عمل

ه) تعلق بعث اعتباری و زجر اعتباری به یک عمل

و) تعلق وجوب و حرمت به یک عمل

ز) امکان انجام و ترک هم زمان یک عمل (مقام امثال)

از این ۷ ناحیه، یک ناحیه (تعلق وجوب و حرمت)، از امور انتزاعی است چرا که وجوب و حرمت دو مفهوم هستند که از بعث و زجر اعتباری انتزاع می شوند.

درباره‌ی «جمع بین انشاء امر و انشاء نهی» هم چون این دو، دو اعتبار هستند - گفته شده است - که جمع بین دو اعتبار متضاد ممکن است چرا که اگر چه متعلق این اعتبارات، در تضاد با یکدیگر هستند ولی نفس اعتبارات تضادی با یکدیگر ندارند.^۱

اما در ۵ ناحیه دیگر، نزاع قابل فرض است.

پس وقتی یک عمل (صلوة در دار غصبی) بخواهد هم مورد امر باشد و هم مورد نهی، جای این سوال باقی است که:

الف) چگونه مولا این عمل را هم محبوب می دارد و هم مبعوض

ب) چگونه این عمل هم مصلحت دارد و هم مفسده

ج) چگونه مولا نسبت به این عمل هم اراده دارد و هم کراهت

ه) چگونه مولا نسبت به این عمل هم بعث اعتباری کرده است و هم زجر اعتباری

ز) چگونه مکلف هم این عمل را ترک کند و هم انجام دهد.

ما می گوئیم:

^۱ . المباحث الاصولیه (فیاض)، ج ۵، ص ۲۹۲



۱. درباره اینکه تضاد احکام در حقیقت در کدام یک از نواحی است و در کدام یک از این نواحی تضادی نیست و آیا در حوزه اعتبارات هم این تضاد قابل تصویر است، در ضمن مباحث به طور مفصل سخن خواهیم گفت.

مقدمه ۴:

بحث مهم در این مبحث آن است که «وحدت» (در اینکه می‌گوییم: «اجتماع امر و نهی در یک شیء "واحد"»، به چه معنی است.

مرحوم آخوند در این باره می‌نویسد: مراد از واحد در این بحث، شخص معین نیست بلکه مراد یک چیزی است که دو جهت در آن است:

«المراد بالواحد مطلق ما كان ذا وجهين ، ومندرجا تحت عنوانين ، بأحدهما كان مورداً للأمر ، وبالأخر للنهی ، وأن كان كلياً مقولاً على كثيرين ، كالصلاة في المغصوب ، وإنما ذكر لاجراج ما إذا تعدد متعلق الأمر والنهی ولم يجتمعا وجوداً ، ولو جمعهما واحد مفهوماً ، كالسجود لله تعالى ، والسجود للصنم مثلاً ، لا لاجراج الواحد الجنسي أو النوعي كالحركة والسكون الكليين المعنويين بالصلاتية والغصبية»^۱

^۱ . كفاية الاصول، ص ۱۵۰



ما می‌گوییم:

۱. واحد را در این بحث می‌توان چنین تقسیم کرد:

الف) واحد بالنوع [یا مشابه آن] (مثل سجود بر خدا و سجود بر شیطان که در سجده بودن هم نوع و

واحد هستند) (و همچنین واحدهای بالسنخ و بالجنس و ...)

واحد

واحد شخصی: نماز زید در دار غصبی

ب) دارای دو جهت که یکی از آنها

مورد امر باشد و یکی مورد نهی

واحد نوعی: سکون که قدر مشترک است بین نماز

و غضب (سکون هم مورد امر است چون جزء

صلاة است و هم مورد نهی است چون جزء

غضب است)

واحد غیر بالنوع

واحد شخصی:

ج) غیر دارای دو جهت (اصلاً جهت

واحدی بیشتر ندارد- بسیط- و یا دارای

جهت متعدد هست ولی یک جهت مورد

امر و نهی است)

واحد نوعی:

۲. در فرض «الف» قطعاً می‌توان امر و نهی را همراه هم فرض کرد در فرض «ج»، هیچ کس قائل به

جواز نشده است (الا اینکه بگوییم تکلیف بمالا یطاق جایز است) و همه سخن و نزاع در مورد فرض

«ب» است (با اختلافی که بین واحد شخصی و واحد نوعی وجود دارد)